

روایهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

بن بست

■ بحران میان‌سالی و موانع خلاقیت یکی از مضامین تکرار شونده آثاری است که این هفته از کشورهایمانند ترکیه،بوسنی،انگلستان، آمریکا، غنا و سوییس به پرده سینما راه یافته‌اند.

■ ■ ■

روزی روزگاری در آناتولی



Once Upon a Time in Anatolia
(Bir Zamanlar Anadolu'da)

برنده جایزه بزرگ (گلدنبری) جشنواره کن ۲۰۱۱ (به‌طور مشترک با فیلم «پسرپچهای با دوچرخه» برادران (دالن) ششمین فیلم بلندی است که نوری بیلگه جیلان، فیلمساز متولد استانبول، ترکیه و سازنده «قلیپم‌ها» و «سه میمون» کارگردانی کرده است. فیلمنامه را نوری بیلگه جیلان، ارکان کرال و اِیسرو جیلان نوشته‌اند. در شی تیره، چند مرد در جاده‌های پر پیچ و خم مناطق روستایی آناتولی به‌دنبال جسد مردی هستند که قربانی جنایتی وحشیانه شده است. با نزدیک شدن روز، رازهای مرد مظنون به قتل و بازرس‌های پلیس از پرده بیرون می‌افتد و پرسش‌های اصلی بعد از یافتن جسد مطرح می‌شود. محمد اوزونر، یلماز اردوغان، تتر بیرسل و فیرات تنیس از بازیگران این فیلم ۱۵۷ دقیقه‌ای محصول مشترک ترکیه و بوسنی و هرزگوین هستند.

آلباتروس



عنوان و داستان فیلم شباهت‌هایی با «مرغ دریایی» چخوف دارد با این حال گفته شده که داستان مبتنی بر تجربیات شخصی فیلمنامه‌نویسی تازه‌کار به نام تمزین زفن است (جسپیکا براون فیندلی) دختر ۱۷ساله‌ای است که سوادی نویسنده شدن در سر دارد و به هتلی ساحلی کار می‌کند که یک نویسنده مشهور، اما به بن‌بست رسیده (سپاستین کُخ، همسر او (جولیا اورموند) که قبلاً بازیگر بوده و اکنون مدیر هتل است و دختر نوجوان آنها، بث (فلیسیتی جونز) که با امیلیا دوست می‌شود، حضور دارند. آشنایی او با این خانواده به زودی منجر به نتایج ناخوشای می‌شود. «آلباتروس» به معنی یک نوع مرغ دریایی بزرگ همیشه‌درپرواز است و استفاده‌ای است برای فشار روحی ناشی از گذشته‌های یک‌نفر. این درام ۹۰ دقیقه‌ای محصول انگلستان و اولین تجربه کارگردانی سینمایی تیل مک کوئیک است که قبلاًچندین سریال و فیلم تلویزیونی ساخته است.

روزی



«رودی» عنوانی است که به افراد گروه فنی یا پشتیبانی همراه با گروه‌های موسیقی در برنامه تورهای اجرایی اطلاق می‌شود. جیمی (ران الدارد) بعد از ۲۰سال کار به عنوان «رودی» یکی از گروه‌های مشهور موسیقی، در هم شکسته و به بن‌بست رسیده به خانهاش در کوئینز نیویورک بازمی‌گردد تا مادر سالخورده‌اش را ملاقات کند. این بازگشت جیمی را با یکی از دوستان قدیمی و روبراو می‌کند که با دشمن قدیمی او ازدواج کرده است. مایکل کوئستا این فیلم را کارگردانی کرده و فیلمنامه‌اش را با همکاری جرالد کوئستا نوشته است. بایی کانواله، دیوید مارگولیس و جیل هنسی از دیگر بازیگران این درام هستند. زمان نمایش فیلم ۹۶ دقیقه است.

یک انتخابات آفریقایی



این مستند ۸۹ دقیقه‌ای درباره انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ در کشور غنا در آفریقای غربی است.پشت صحنه این رویداد در یک کشور جهان سومی، نقش احزاب و مشارکت شهروندان آن کشور، تاکتیک‌های مبارزاتی و اثر آنها در فضای عمومی در مدت زمانی سه‌ماهه تصویر شده است. جَرت مرز و کوین مرز این فیلم محصول مشترک غنا، سوییس و آمریکا را کارگردانی کرده‌اند و فیلمنامه را ریکا تاسینی و شری یانترامار کاجی نوشته‌اند.

سینمای جهان



تصویری از فیلم «روزی روزگاری در آناتولی»/ OutNow

رازها و ترفندهای فیلمسازی در گفت‌وگو با نوری بیلگه جیلان

نمی‌خواهم انرژی‌ام را هدر بدهم

کریستوفر بل– جسیکا کینگ / ترجمه: رهام سجادی

دولت تا ساختن یک مبحث کامل در فیلم «سه میمون» را دربرمی‌گیرد. این کارگردان با وجود مشکلاتش با مقامات دولتی کشورش، تاکید می‌کند اینها لزوماً نظر خودش نیست و او به شخصه هیچ‌گونه توهم آرامی در مورد کشورش ندارد وی می‌گوید: «هیچ مساله سیاسی در فیلم‌هایم بیان نمی‌کنم. خود مردم، مخصوصاً در ترکیه، دوست دارند به فیلم‌ها نگاه سیاسی داشته باشند. ولی من سعی می‌کنم با این‌گونه ارزیابی تا حد ممکن بجنگم. البته من عقاید سیاسی خودم را دارم ولی آنها برایم از همه چیز مهم‌تر نیستند و معمولاً آنها را پنهان می‌کنم. بیشتر به دنیای درون شخصیت‌ها علاقه‌مندم و اگر شما در مورد

سیاست زیاد حرف بزنید، مردم هم می‌خواهند در این‌باره بیشتر حرف بزنند.» به همین ترتیب ظهور عوامل ژانر در اثر اخیرش از عمد نبوده و کارگردان ادعا می‌کند داستان خیلی ساده او را به آن سمت برده است. او بعد از خواندن نقدهای فیلم متوجه این شده است. او توضیح می‌دهد: «صادقانه بگویم که در زندگی‌ام خیلی تریلر نگاه نکرده‌ام. من فیلم‌های «سه میمون» و «آناتولی» را ساختم‌ام و هیچ وقت فکر نکردم که دارم فیلم ژانر تریلر می‌سازم. فقط داستانی را که برایم مهم بود بازگو می‌کردم. بعداً منتقدان نوشتند که نوعی از تریلر بوده است.» و در مورد اینکه به سمت ژانر دیگری خواهد رفت؟ «هن به این نوع دیدگاه علاقه‌مند نیستم، چون محدود کننده است. ولی معلوم نیست، شاید سهواً اتفاق بیفتد.»

فیلمبرداری برای تدوین
با تماشای «آناتولی» که به سرعت متوجه می‌شوید که این اثر با کارهای قبلی‌اش متفاوت است. یک فیلم به‌شدت ادیبانه است. با اینکه مثل کارهای اولیاش متفکرانه است ولی گفت‌وگو و داستان‌گویی سنتنی در آن زیاد است. وی می‌گوید: «برخلاف فیلم‌های دیگر، ما این‌یکی از فیلمنامه‌های من است که پر از جزئیات است. با این حال در حین فیلمبرداری شما به ایده‌های تازه‌ای می‌رسید، چون تنها

فیلمبرداری برای تدوین
با تماشای «آناتولی» که به سرعت متوجه می‌شوید که این اثر با کارهای قبلی‌اش متفاوت است. یک فیلم به‌شدت ادیبانه است. با اینکه مثل کارهای اولیاش متفکرانه است ولی گفت‌وگو و داستان‌گویی سنتنی در آن زیاد است. وی می‌گوید: «برخلاف فیلم‌های دیگر، ما این‌یکی از فیلمنامه‌های من است که پر از جزئیات است. با این حال در حین فیلمبرداری شما به ایده‌های تازه‌ای می‌رسید، چون تنها

نگاهی به «روزی روزگاری در آناتولی»

کندوکاو در وضعیت بشری

دبورا یانگ/ ترجمه: وحیداله موسوی

این جمع سرانجام برای تجدید قوا در یک روستا اتراق می‌کند و دختر زیبایی کدخدا از آنان پذیرایی می‌کند. سپس بار دیگر برای جست‌وجوی آن قبر سرخست به تهیه‌باز می‌گردند. نیمه اول فیلم مانند داستان‌های چخوف، از گفت‌وگوهایی کم‌اهمیت پر شده که در خدمت شخصیت‌پردازی هستند، مانند شخصیت آن پزشک جوان با طرز نگرش علمی خود که از همسرش طلاق گرفته با شخصیت آن رئیس پلیس عجول که کودکی بیمار دارد. به‌نظر می‌رسد که دوربین با حرکت تدریجی و مداوم روم‌ر چهره آنان، پرده از درون واقعی آنان برمی‌دارد. شر و ورها



صورتی از یک چیز دیگری است. مانند فیلم ستایش شده «سه میمون» از جیلان، به‌نظر می‌رسد که کاراکترها همگی در روابطی مثلث‌گونه و آکنده از بار عاطفی درگیرند، یا همان‌گونه که یکی از آن مردان عنوان می‌کند، هر جا مشکلی هست، باید به دنبال ردپای یک زن برگردید. تجربه جیلان در زمینه عکاسی در تکت‌تک نماها نمود یافته‌است، نماهایی که احساسات نهانی و نوعی حس صمیمیت را تداعی می‌کنند. فیلمبرداری گویان تیرپایی، زیبایی دست نخورده و وهم‌آور مناظر آناتولی را موکد می‌کند، عالم کهن طبیعت که انسان‌ها نمی‌توانند حتی بدون کمک چراغ اتومبیل‌ها یا رعد و برق آن را ببینند.

منبع: **هالیوودریپورتر**

تصویری از فیلم «روزی روزگاری در آناتولی»/ OutNow

پرتره هنرمند

مروری بر آثار نوری بیلگه جیلان

برف بی‌پایان

بابک کریمی

■ نوری بیلگه جیلان قبل از آنکه سینماگری برجسته باشد، عکاسی است توانا. او هنر عکاسی را در نوجوانی آموخته و تا به امروز موفق به خلق مجموعه‌های منحصر به فردی چون «سینما اسکوپ ترکی» شده است. وی در دانشگاه، ابتدا در رشته برق تحصیل می‌کند و بعد از آنکه خدمت سربازی‌اش به اتمام می‌رسد، به تحصیل در رشته سینما می‌پردازد. در سال ۱۹۹۵ فیلم کوتاهی فاقد دیالوگ به نام «پیله» می‌سازد و سه سال بعد از آن، اولین فیلم بلند خود، یعنی «قصه» را ارایشه می‌دهد. فیلمی که نمایی آغازگر آن منظرهای است که برف سفید پوشش کرده و هنوز هم در حال باریدن است. برف پدیده مورد علاقه جیلان است و از این جهت این عنصر در فیلم‌هایش حضوری چشمگیر دارد. او فیلمنامه این فیلم را براساس داستانی از پدرش نگاشته، همچنین تهیه‌کنندگی، فیلمبرداری و کارگردانی فیلم نیز بر عهده خود اوست (روندی که در سه فیلم اول ادامه می‌یابد). جیلان روایت را در روستایی کوچک و با تمرکز بر خانواده‌ای که بزرگشان، مادر و پدر واقعی خود و هستند، پیش می‌برد، فیلم با تاثیرپذیری واضح از سینمای اندری تارکوفسکی، نماهای چشم‌نواز و به یاد ماندنی خلق می‌کند که از همین ابتدا نوید فیلمسازی خوش‌ذوق را می‌دهد. «قصه» به نوعی اتوبیوگرافی کارگردان محسوب می‌شود و در انتها به پسر و مادر

جیلان تقدیم شده است. فیلم بعدی یعنی «برهای ماه می» با ساختار فیلم در فیلم ساخته شده. مظهر به روستای زادگاهش می‌آید تا با کمک مادر، پدر و چند نفر از دوستان و فامیل فیلمی

بسازد. در واقع به نوعی فیلمی که مظهر قصد ساختش را دارد همان «قصه» است. مظهر به شخصیتی که امین توپارک نقشش را ایفا می‌کند، قول می‌دهد که بعد از باری او برای ساخت فیلم، برایش شغلی در استانبول پیدا کند. نتیجه فیلمی است پر دیالوگ، کمی خسته‌کننده و طولانی که تقدیم شده به انطوان چخوف. میزان استفاده از موسیقی (موسیقیدانان بزرگی همچون باخ، هندل و شوبرت) در این فیلم نسبت به آثار دیگر جیلان بارزتر است، روایت این فیلم نیز با غالب بازیگران فیلم اول و حضور برنگ مادر و پدر کارگردان، پیش می‌رود. فیلم سوم جیلان «دورست» نام‌دار. این بار نیز فیلم با نمایی از منظرهای برفی در روستا شروع می‌شود، ولی در شهر استانبول است که ادامه می‌یابد، شهری که شخصیتی که در فیلم اول و دوم جیلان نقشش را امین توپارک بازی می‌کرد، در انتظار عزیمت به جایی همچون آن بود و در این فیلم او برای یافتن شغلی به آنجا سفر کرده است. در واقع می‌توان گفت این فیلم به لحاظ روایت به نوعی از بی‌ دو فیلم قبل آمده. شخصیت اصلی فیلم، ماحجوت نیز عکاسی است که روزی سوادی ساخت فیلم‌هایی شبیه به آثار تارکوفسکی را در سر داشته و امروز، تنها می‌تواند به فیلم‌های او در قاب تلویزیون خیره به‌اند. در خاتمان نیز عکس‌هایی متعلق به مجموعه‌هایی از جیلان به دیوارها آویخته شده و در کنار آنها می‌شود پوستر فیلم کوتاه «پیله» را مشاهده کرد (باز هم جنبه‌های اتوبیوگرافی مولف، باز است) در انتها، فیلم هم ایرو تقدیم می‌شود، همسر کارگردان که در این فیلم هم نقش کوتاهی را ایفا می‌کند و هم کارگردان هنری است. این همکاری در فیلم‌های بعدی جیلان ادامه پیدا می‌کند. سه فیلم اول جیلان را می‌توان از لحاظ محتوا که وابسته به زندگی شخصی وی است، دوره اول فیلمسازی او نامید. «قلیپم‌ها» فیلم بعدی جیلان، با نقش آفرینی نادر او به همراه همسرش، به پسرشان تقدیم شده است. روایت به بن‌بست رسیدن رابطه زوجی که جیلان و همسرش، شخصیت‌هایش را بازی می‌کنند. فیلمی عمیقاً احساسی که کندوکاوی است در روابط انسانی. کارگردان با میزانسنی دقیق، موفق به خلق شاعرانه رخدادها می‌شود. فیلم پنجم جیلان یعنی «سه میمون» از هر لحاظ نقطه عطف سینمای اوست. بازیگری‌های گیرا، فیلمبرداری و نورپردازی شگفت‌انگیز، روایتی سرشار از لحظات غافلگیرکننده و کارگردانی تاثیرگذار، فیلم را به اثری ماندگار بدل کرده است. او اسال نیز فیلمی به نام «روزی روزگاری در آناتولی» که موفقیت‌های بسپار زیادی برایش به همراه داشته است.

سینمای نوری بیلگه جیلان متکی بر میزانسن، برداشت‌های بلند و قالب‌بندی‌های ایستاست. فیلم‌هایش به شدت شخصی هستند و غالباً به اعضای خانواده وی تقدیم شده‌اند. دغدغه‌های محتوایی فیلم‌های او را نیز به شکلی تکرار شونده می‌توان در آثارش جست. برآمدگی، ناامیدی و تنهایی انسان، رنج‌هایی که رابطه‌اشان به بن‌بست رسیده و در ایجاد پیوندی دیگر بار سعی عبث می‌کنند. فیلم‌های او از لحاظ بصری، بسیار غنی و گاهی تکان دهنده‌اند. کافی است، سکانس کاپوس بچه در «قصه» و ظاهر شدن‌های کودک مرده در «سه میمون» را به یاد بیاوریم، تصاویر شگفت‌انگیزی که لحن شاعرانه آنها تاثیری عمیق بر بیننده می‌گازند. جیلان با تسلط در خور توجهی که به فیلمبرداری دارد، توانسته چه آنجایی که خود پشت ویزور دوربین قرار گرفته و چه در کنار فیلمبردارش، تصاویری زیبا و گیرا بیافریند. فیلم‌های نوری بیلگه جیلان از آن دست آثار مستقلی هستند که با حضور خود او در مقام نویسنده، تهیه‌کننده، تدوینگر، فیلمبردار و کارگردان به همراهی همسرش به عنوان نویسنده، بازیگر و کارگردان هنری ساخته شده‌اند و تجربه‌ای شگرف را برای مخاطب رقم می‌زنند و امید آن می‌رود که هر اثر وی، مسبب تجربه سینمایی لذت‌بخش باشد.